

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهرا (س)

سال سی و یکم، دوره جدید، شماره ۴۹، پیاپی ۱۳۹، بهار ۱۴۰۰ / صفحات ۱۱۹-۱۴۴

مقاله علمی - پژوهشی

بررسی وضعیت و سیر تحول تولید و تجارت فرش در آذربایجان در دوره قاجار^۱

مصطفی ملایی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۳

چکیده

فرش بافی در آذربایجان از قدمت دیرینه‌ای برخوردار است. در دوره قاجار با انتخاب تبریز به عنوان مقر ولیعهد و مرکز مبادلات با روسیه و کشورهای غربی، آذربایجان به یکی از آبادترین مناطق کشور تبدیل شد. در این دوره صنعت فرش آذربایجان متأثر از موقعیت ممتاز اقتصادی و تجاری مذکور و به تبع آن ویژگی‌های طبیعی و اقلیمی مناسب آن منطقه، از رونق خوبی برخوردار شد. گفتنی است نه تنها تولید این کالا پیشرفت قابل ملاحظه‌ای کرد، بلکه تجارت آن نیز گسترش یافته و این ایالت سهم عمده‌ای از تولید و صادرات فرش کشور را به خود اختصاص داد. نگارنده این پژوهش در نظر دارد با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استفاده از اسناد آرشیوی و منابع کتابخانه‌ای، به بررسی مسئله اصلی تحقیق یعنی وضعیت و سیر تحول تولید و تجارت فرش در آذربایجان در دوره قاجار بپردازد. براساس یافته‌های پژوهش، در نیمه اول قرن نوزده میلادی فرش بافی در آذربایجان عموماً حرفه‌ای روستایی بوده که توسط روستاییان، ایلات و معهود بافنده‌های شهری در کارگاه‌های خانگی به صورت محدود تولید می‌شد و به عنوان یک کالای تجاری داخلی مطرح بوده است. البته از نیمه دوم این قرن با سرمایه‌گذاری تجار تبریز و شرکت خارجی در صنعت فرش آن منطقه و به کار افتادن کارگاه‌های بزرگ قالی بافی و سازماندهی نسبی تولید و تجارت، نه تنها حجم تولید فرش افزایش قابل ملاحظه‌ای یافت، بلکه ارزش صادرات و تجارت آن نیز رونق قابل توجهی پیدا کرد. فرش آذربایجان در اواخر دوره قاجار علاوه بر کشورهای هم‌جوار چون روسیه و ترکیه، در مقیاس بالا به بازارهای اروپا و آمریکا نیز صادر می‌شد.

واژه‌های کلیدی: فرش، آذربایجان، تولید، تجارت، قاجار

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/HII.2020.31687.2259

۲. دکترای تخصصی ایران‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران m.s.mollai@gmail.com

مقدمه

تولید فرش در ایران پیشینه طولانی دارد، اما تجارت آن به طور مشخص از دوره صفویه مطرح شده بود. در این دوره بود که فرش‌های نفیس تولیدی در مراکز قالی‌بافی تبریز، اصفهان، کاشان و کرمان، بخشی از صادرات کشور به اروپا را به خود اختصاص داده بود. در فاصله سقوط صفویه تا روی کار آمدن قاجاریان، تولید و تجارت فرش تحت تأثیر اوضاع سیاسی و اقتصادی نابسامان مملکت، وارد دوره‌ای از رکود نسبی شده و سرانجام با تثبیت حکومت قاجارها در اوایل قرن نوزدهم میلادی و برقراری آرامش نسبی در مملکت، دوباره احیا شد و در مسیر رونق قرار گرفت.

در نیمه اول این قرن فرش‌بافی عموماً حرفه‌ای روستایی بوده که در اصل توسط روستاییان و گاه ایلات و معدود بافنده شهری انجام می‌گرفت و عمدتاً برای رفع نیازهای داخل کشور بوده است. در اواسط نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی، با ابراز علاقه‌مندی غربی‌ها نسبت به فرش‌های ایرانی و به تبع آن تقاضای ناگهانی از جانب آنها برای قالی‌های مناطق مختلف کشور به خصوص آذربایجان، به تدریج سرمایه داخلی و خارجی در تولید و تجارت فرش به کار افتاد. آغاز این سرمایه‌گذاری‌ها در صنعت فرش کشور، از جانب تجار تبریز بود. این گروه با شروع فعالیت‌های تولیدی و تجاری از آذربایجان و سپس گسترش آن به سایر مراکز فرش‌بافی کشور، تحولی جدید در صنعت فرش ایجاد کردند، اما طولی نکشید که همزمان با تقاضای روزافزون برای فرش ایران در بازارهای بین‌المللی، تجار و شرکت‌های خارجی (به‌طور عمده غربی) نیز در اواخر قرن نوزدهم و اوایل سده بیستم میلادی، به سرمایه‌گذاری در صنعت فرش کشور روی آوردند. به این ترتیب، نه تنها حجم تولید فرش در مراکز فرش‌بافی افزایش یافت، بلکه ارزش صادراتی این کالا نیز از سیر صعودی برخوردار شد. فرش‌هایی که عمدتاً به بازارهای کشورهای غربی صادر می‌شده است.

در این میان، صنعت فرش آذربایجان در دوره قاجار به دلیل آنکه در ارتباط با صنعت فرش کشور بود، مسیر مشابهی را پیمود، اما از آنجا که آذربایجان از مراکز اصلی تولید و تجارت فرش در این دوره محسوب می‌شد، صنعت فرش آنجا در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی و اوایل قرن بیستم میلادی متأثر از عواملی چون ویژگی‌های جغرافیایی، طبیعی و اقلیمی مناسب آن منطقه برای دسترسی به پشم مرغوب محلی، وجود بافندگان محلی فراوان و ماهر در استفاده از طرح و نقش‌های مطلوب در بافت فرش و همچنین موقعیت ممتاز تجاری و ترانزیتی آذربایجان و ارتباط مستمر بازرگانان آنجا با تجار و بازارهای داخل و خارج از کشور و سرانجام سرمایه‌گذاری تجار و شرکت‌های داخلی و خارجی در تولید و تجارت فرش آن

منطقه، از رشد و رونق بالایی برخوردار شده بود. این ایالت سهم عمده‌ای از تولید، تجارت و صادرات فرش کشور را به خود اختصاص داد.

این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و به منظور بررسی وضعیت و سیر تحول تولید و تجارت فرش در منطقه آذربایجان در دوره قاجار، درصدد پاسخگویی به این پرسش است که: روند توسعه و وضعیت تولید و تجارت فرش در منطقه آذربایجان در دوره قاجار چگونه بوده است؟ فرضیه پژوهش این است که در نیمه اول قرن نوزده میلادی تولید فرش در منطقه آذربایجان با توجه به ساختار جمعیتی و اجتماعی آن، عموماً توسط روستاییان و گاه ایلات و تعداد اندکی بافنده شهری و در کارگاه‌های خانگی انجام می‌شده است و به عنوان یک کالای تجاری داخلی عمدتاً در بازارهای داخل کشور معامله می‌شده است. البته در نیمه دوم این قرن و اوایل سده بیستم میلادی تحت تأثیر سرمایه‌گذاری تجار و شرکت‌های داخلی و خارجی، تولید این کالا علاوه بر کارگاه‌های خانگی، در کارگاه‌های قالی‌بافی متعلق به آنها نیز انجام می‌گرفته و عمدتاً از طریق مبادی تجاری همان منطقه که به عنوان مهم‌ترین کانون صادراتی شمال کشور در دوره قاجار محسوب می‌شد، به کشورهای اروپایی، آمریکا و روسیه صادر می‌شده است.

در بررسی پیشینه موضوع باید گفت تاکنون پژوهش و تحقیقی که منحصراً به تولید و تجارت فرش در منطقه آذربایجان در دوره قاجار پرداخته باشد، انجام نگرفته است. در این بین، در برخی از این پژوهش‌ها نظیر *اقتصاد ایران در قرن نوزدهم* تألیف احمد سیف (۱۳۷۳)، «عوامل مؤثر بر رشد صادرات فرش و پیامدهای اقتصادی آن در ایران قرن نوزدهم» از لعبت‌فرد (۱۳۹۵) و «سرمایه‌گذاری شرکت‌های غربی در صنعت فرش ایران در عصر قاجار» از ملایی (۱۳۹۷) فقط بنا بر اقتضای مطالب، به صنعت فرش آذربایجان در دوره قاجار اشاراتی شده و در بعضی دیگر از آنها مانند *قالی ایران* اثر ادواردز (۱۳۶۸) و «بررسی صنعت فرش در ایران: گزارش‌های منطقه‌ای» از توفیق و خاقانی (۱۳۴۸) به صورت کوتاه به تولید و تجارت فرش در آذربایجان در دوره قاجار اشاره شده و به‌طور عمده به بررسی این مسئله در دوره پهلوی پرداخته شده است. بر همین اساس، در پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر اسناد آرشیوی و منابع کتابخانه‌ای، تلاش شده است با نگاهی متفاوت، پرتوی بر خلأ موجود در این زمینه افکنده شود.

۱. وضعیت تولید و تجارت فرش در آذربایجان در دوره قاجار

آذربایجان منطقه‌ای با ویژگی‌های طبیعی و اقلیمی مساعد، چون طبیعتی کوهستانی و غنی،

دره‌های آباد و دشت‌های گوناگون، همراه با پوشش گیاهی متنوع و مراتع وسیع، از مراکز اصلی فرش‌بافی کشور در دوره قاجار بوده است. خصوصیتی که از دیرباز باعث شکل‌گیری زندگی عشایری و روستایی و رواج دامداری و به تبع آن تولید پشم مرغوب محلی در نواحی قره‌داغ (ارسباران)، خوی، ماکو و غیره شده (ن.ک. به: کرزن، ۱۳۸۷: ۶۲۵/۲)، از دلایل اصلی سوق اهالی آن خطه به صنایع و حرفه‌های دستی نظیر قالی‌بافی، قالیچه‌بافی، گلیم‌بافی و بافت جاجیم در دوره قاجار بوده است. به این ترتیب، این‌گونه ویژگی‌های ممتاز طبیعی و جغرافیایی باعث ایجاد پتانسیل‌هایی چون پیدایش نیروی انسانی (بافندگان) فراوان و ماهر و وجود مواد اولیه مرغوب محلی شده بود که تأثیر بسزایی در رشد صنعت فرش آذربایجان طی قرون نوزده و بیست میلادی داشته است.

از سوی دیگر، ایالت آذربایجان در دوره قاجار به عنوان مقرر ولیعهد این دولت و به مرکزیت شهر تبریز، یکی از آبادترین مناطق کشور بوده است. این ایالت در اواخر قرن نوزده و اوایل سده بیستم میلادی، به سبب برخورداری از آرامش و امنیت نسبی و موقعیت تجاری و ترانزیتی ممتاز خود، از مهم‌ترین مراکز صادرات و واردات کالاهای داخلی و خارجی در شمال کشور بوده است (پولاک، ۱۳۶۸: ۳۹۴). در سال ۱۹۰۴م. در آستانه مشروطیت، ۲۵ درصد واردات کشور به تبریز می‌آمده و ۱۵ درصد صادرات از این شهر راهی خارج می‌شده است (عیسوی، ۱۳۶۲: ۱۶۸؛ یزدانی، ۱۳۸۹: ۱۳-۱۵). در همین راستا، در سال‌های پیش و پس از جنگ جهانی اول، نه تنها قسمت عمده تجارت ایران با روسیه از طریق بادکوبه (باکو) و ایروان (استادوخ، ۱۳۳۷/۳۱/۲۵ق؛ فیودورکوف، [بی‌تا]: ۱۱۸) در این شهر متمرکز بوده، بلکه مرکز تجارت با کشورهای غربی که از راه ترکیه (طرابوزان، ارزروم و استانبول) انجام می‌گرفت (کرزن، ۱۳۸۷: ۶۷۱/۲؛ فیودورکوف، [بی‌تا]: ۱۱۸)، نیز در تبریز بوده و صادرات فرش بخش مهمی از این تجارت را به خود اختصاص می‌داده است. این‌گونه ویژگی‌های اقتصادی و تجاری آذربایجان در دوره قاجار، موجب پیدایش طبقه اجتماعی مهمی چون تجار در آن منطقه شده بود که نقش عمده‌ای در پویایی اقتصاد آذربایجان و به تبع آن در توسعه صنعت فرش آن منطقه ایفا کردند (ن.ک. به: فلور، ۱۳۹۳: ۲۵-۲۶).

بدین ترتیب، طولی نکشید که صنعت فرش در آذربایجان در دوره قاجار، متأثر از ویژگی‌های طبیعی و اقلیمی، ساختار اجتماعی و جمعیتی و موقعیت اقتصادی و تجاری گفته شده در آن منطقه، شاهد تحولات عمده‌ای بوده و از پیشرفت قابل ملاحظه‌ای برخوردار شد؛ به طوری که همزمان با اقبال تجار و شرکت‌های خارجی به سرمایه‌گذاری در صنعت فرش آذربایجان در اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیستم میلادی، علاوه بر رشد تولید این کالا،

تجارت آن نیز از رونق بالایی برخوردار شد و قسمت عمده فرش‌های تولیدی در آن منطقه، راهی بازارهای کشورهای غربی و روسیه می‌شده است.

۱-۱. وضعیت تولید و تجارت فرش در آذربایجان در نیمه اول قرن نوزده میلادی

در نیمه اول قرن نوزده میلادی، بدان سبب که بخش زیادی از ساختار جمعیتی و اجتماعی جامعه ایران را روستاییان و ایلات و عشایر تشکیل می‌دادند، بافت فرش معمولاً توسط این اقشار و به صورت نامنظم و محدود انجام می‌گرفت. بدیهی است که با توجه به بافت جمعیتی و سیمای اجتماعی آذربایجان در این دوره، در این منطقه نیز قشرهای روستایی و ایلات، عمده‌ترین تولیدکنندگان فرش بوده‌اند. در این بین، عشایر شاهسون از ایلات مشهور آذربایجان در دوره قاجار، به سبب داشتن احشام زیاد، علاوه بر آنکه از تولیدکنندگان عمده پشم خام در آن منطقه بودند، به بافت فرش‌هایی با طرح‌های هندسی و ظرافت کمتر و گلیم‌های ساده و پودپیچ (پیچ‌باف) نیز اشتغال داشتند (Encyclopaedia ... , 1990: 4/893-894؛ سیف، ۱۳۷۳: ۱۴۰). البته بخش عمده تولید این محصول توسط روستاییان آذربایجان - که در ارتباط نزدیک با عشایر منطقه بودند - و در کارگاه‌های کوچک خانگی انجام می‌گرفته است. در این میان، قره‌داغ (کرزن، ۱۳۸۷: ۶۲۴/۲)، هریس (ادواردز، ۱۳۶۸: ۶۹-۷۵)، میانه (فیودورکوف، [بی‌تا]: ۱۷۸)، خوی (حاج سیاح، ۱۳۵۶: ۲۵۹-۲۶۱؛ اورسل، ۱۳۸۲: ۲۴۴)، سراب و قراجه (ادواردز، ۱۳۶۸: ۶۹) از مهم‌ترین نواحی قالی‌بافی در آذربایجان بودند که سنت فرش‌بافی از دیرباز و به‌طور مشخص از آغاز قرن نوزده میلادی در بین روستاییان آن ناحیه رواج داشته است. در جامعه روستایی دوره قاجار، به سبب اشتغال مردان روستایی به کارهای کشاورزی و دام‌پروری، عمدتاً زنان به کار بافت می‌پرداختند. با این حال، مردها نیز در اوقات بیکاری فصلی به این کار اشتغال می‌ورزیدند. «عیسوی» نیز معتقد است پیش از فعالیت و سرمایه‌گذاری تجار تبریز و شرکت‌های سرمایه‌گذار در صنعت فرش آذربایجان در دوره قاجار، کار بافت قالی در آن منطقه عمدتاً توسط زنان روستایی و در خانه‌ها انجام می‌گرفته است (عیسوی، ۱۳۶۲: ۴۶۲).

بدیهی است از آنجا که قالی‌های مذکور غالباً توسط روستاییان، به صورت محدود و با اتکا بر نقشه‌های ذهنی بافته می‌شده، اغلب قطع آنها کوچک و اندازه‌شان معمولاً دراز و باریک و طرح و نقش آنها نیز تکراری بوده است (ادواردز، ۱۳۶۸: ۶۶). طبیعی است این قسم تولیدات عموماً به عنوان کالای تجاری داخلی مطرح بوده (Encyclopaedia ... , 1990: 4/878-879) و در بازارهای داخل کشور معامله می‌شده است. بنا بر گزارش‌های موجود، تهیه فرش به این

۱۲۴ / بررسی وضعیت و سیر تحول تولید و تجارت فرش در آذربایجان در دوره قاجار ... / مصطفی ملایی

صورت، معمولاً در همان محل تأمین مالی می‌شده و این کار توسط افراد سرشناس، مقامات محلی و خان‌های ایلات که از حامیان اصلی بافت به روش سنتی بوده‌اند، انجام می‌شده است (همان، ۸۸۰/۴).

در نیمه قرن نوزده میلادی، نه تنها تولید فرش در مسیر رشد قرار گرفت، بلکه علاوه بر تجارت داخلی قالی، فرش‌هایی نیز به صورت محدود و نامنظم به کشورهای هم‌جوار چون ترکیه صادر می‌شده است (فلور، ۱۳۹۳: ۲۳؛ سیف، ۱۳۷۳: ۱۷۱). این مورد خود بیانگر آن است که از این زمان، این کالا علاوه بر رفع نیازهای داخل، بخشی از صادرات کشور را نیز به خود اختصاص می‌داده است. همچنین بدیهی است که قسمت عمده فرش‌های شاخص صادراتی به ترکیه را فرش‌های تولیدی در منطقه آذربایجان و مناطق پیرامون آن تشکیل می‌دهد است؛ فرش‌هایی که در زمان خود از ارزش نسبتاً خوبی برخوردار بوده‌اند. معدود گزارش‌های موجود نیز نشان می‌دهد که در سال ۱۸۴۴م. ارزش کل قالی صادراتی از مبدأ آذربایجان به مقصد کشورهای روسیه و ترکیه، ۹۵۰۴۵ لیره استرلینگ یا ۲۰۹۱۰۰ تومان بوده و این میزان در سال ۱۸۵۷م. به ۳۲۹۰۰۰ لیره رسیده بود (سیف، ۱۳۷۳: ۱۷۱، ۱۸۷، Encyclopaedia ... , 1990: 4/878-879). منابع گزارش دقیق‌تری از جزئیات این موضوع به دست نمی‌دهند، اما نکته مشخص آن است که بخش عمده این کالا از طریق صادرات به کشورهای روسیه و ترکیه، راهی بازارهای اروپا می‌شده است. گزارش‌های موجود نیز بیانگر آن است که در نیمه قرن نوزده میلادی ۹۰ درصد فرش‌های صادراتی کشور از مبدأ آذربایجان، از طریق ترکیه به بازارهای اروپایی سرازیر می‌شده است (سیف، ۱۳۷۳: ۱۷۱).

۲-۱. وضعیت صنعت فرش در آذربایجان در نیمه دوم قرن نوزده و اوایل قرن بیستم

میلادی

در نیمه دوم قرن نوزده میلادی، تحت تأثیر عواملی چون باز شدن دروازه‌های مملکت بر روی تجارت خارجی و واردات بی‌رویه اقالام و منسوجات صنعتی غرب و به تبع آن منفی شدن تراز بازرگانی کشور و روی آوردن اقتصاد کشور به تولید کالاهای نقدینه‌آفرین، فرش نقش پررنگ‌تری در تأمین مالی اقالام وارداتی کشور برعهده گرفت. در اواسط نیمه دوم این قرن، همزمان با روی آوردن اقتصاد کشور به تولید و تجارت فرش و تقاضای ناگهانی غربی‌ها برای فرش‌های مناطق مختلف ایران، تبریز از اولین شهرهایی بود که تجارت فرش در آن رواج یافت و تجار آن منطقه نقش بسزایی در رونق تولید و به تبع آن تجارت و صادرات فرش کشور ایفا کردند.

۱-۲-۱. سرمایه‌گذاری تجار تبریز در تولید و تجارت فرش در آذربایجان

همان‌گونه که اشاره شد، از نیمه دوم قرن نوزده میلادی، به سبب موقعیت تجاری و ترانزیتی آذربایجان، تجار و شرکت‌های خارجی زیادی در آن منطقه مشغول فعالیت‌های تجاری بودند. بازرگانان تبریز که مدام در دادوستد با این تجار و شرکت‌ها بودند (بیزدانی، ۱۳۸۹: ۱۷) و از این راه سرمایه خوبی به دست آورده بودند، در اواسط نیمه دوم قرن مذکور و همزمان با تقاضای بازارهای جهانی برای فرش ایران، تصمیم گرفتند قسمتی از سرمایه خود را در بخش خرید و تجارت فرش به کار گیرند. این بازرگانان که در شهر استانبول دارای نمایندگی تجاری بودند و تا این زمان کار اصلی آنها خرید و واردات مصنوعات کشورهای اروپایی به تبریز و دیگر شهرهای ایران و صادرات تولیدات داخلی کشور به اروپا بود (استادوخ، ۱۳۲۹/۱۱/۳۷ق؛ همان، ۱۳۲۰/۹/۱۶ق؛ ساکما، ۲۴۰/۴۷۴۸۲)، از این پس تجارت فرش را نیز در اولویت برنامه‌های تجاری خود قرار دادند.

در ابتدا فعالیت تجاری بازرگانان تبریز در بخش تجارت و صادرات فرش، این‌گونه بود که آنها در شهرهای مهم و مراکز قالی‌بافی کشور نمایندگانی داشتند که قالی‌های کهنه را از خانه‌ها و بازارها جمع‌آوری می‌کردند و به تبریز می‌فرستادند. در تبریز تجار قالی‌ها را طبقه‌بندی می‌کردند و از طریق خاک عثمانی، یعنی از راه بایزید و ارزروم به بندر طرابوزان و از آنجا به استانبول که در آن زمان به بازار جهانی قالی و مرکز تجمع تجار و مشتریان این کالا تبدیل شده بود، حمل می‌کردند (ادواردز، ۱۳۶۸: ۸، ۶۶؛ استادوخ، ۱۳۲۴/۱۳/۱۱ق). نکته مسلم آن است که قسمت عمده این فرش‌های صادراتی را فرش‌های تولیدی در ایالت آذربایجان و مناطق پیرامونی آن تشکیل می‌داده است.

تا زمانی که تقاضا برای فرش ایران از جانب مشتریان غربی عمدتاً برای فرش‌های قدیمی بود، این روند و عملکرد تجار تبریز ادامه داشت، اما تقاضای روزافزون برای این کالا در بازارهای جهانی و محدود بودن فرش‌های قدیمی در بازارهای ایران، بافت فرش‌های نو و گسترش تولید این کالای پرخواستار را ایجاب می‌کرد؛ به همین دلیل برخی از تجار سرشناس تبریز همچون حاج احمد خامنه، حاج علی قراجه‌داغی، حاج هاشم ترکی، مهدی سلماسی، رحیم قزوینی، علی‌اکبر صدقیانی، حاج احمد سلماسی، حاج سید مهدی گلدپی، حاج مهدی کوزه‌کنانی، حاج محمد ممقانی و حاج محمد دیلمقانی (ساکما، ۲۴۰/۴۷۴۸۲)، دست به کار شدند. آنها علاوه بر اشتغال و فعالیت در بخش تجارت فرش‌های مناطق مختلف ایران و صادرات آن به بازار جهانی فرش در ترکیه، ضمن سفارش بافت فرش به بافندگان محلی و سروسامان دادن به این شیوه تولید، با به کار انداختن کارگاه‌های قالی‌بافی در برخی از شهرها و

روستاهای کشور، سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌های خود در بخش صنعت فرش کشور را توسعه دادند و با سرمایه‌گذاری در بخش تولید فرش و تهیه قالی‌های نو، خود دست‌اندرکار تولید آن شدند.

آغاز فعالیت تجار تبریز در بخش تولید فرش، از خود آذربایجان و از ناحیه فرش خیز هریس آغاز شد (فلور، ۱۳۹۳: ۲۵). در این زمان، هریس شامل بخش‌های قراجه، هریس و سراب بود و از قدیمی‌ترین نواحی فرش‌بافی در منطقه آذربایجان محسوب می‌شد. این ناحیه در شرق تبریز واقع بود و با وجود اشتغال مردم به کارهای کشاورزی و دام‌پروری، فرش‌بافی نیز تقریباً در هر سی روستای ناحیه، از جمله هریس، گوراوان، مهربان، بخشایش، قراجه، بیلوردی، سراب و غیره معمول بود (ادواردز، ۱۳۶۸: ۷۳-۷۸). هریس بزرگ‌ترین و مهم‌ترین آنها به شمار می‌رفت که بهترین نوع قالی را تهیه می‌کرد و از این لحاظ سرآمد سایر روستاها بود (همان‌جا). کارگاه‌های فرش‌بافی این ناحیه عمدتاً خانگی بودند که در آنها دارهایی عمودی برپا بود و بافندگان غالباً زنان و گاه مردان خانواده‌ها بودند.

آغاز فعالیت تجار تبریز در ناحیه هریس این‌گونه بود که آنها ابتدا با قالی‌بافان روستاهای این ناحیه وارد مذاکره شدند و به آنها سفارش بافت دادند؛ چنان‌که شخص تاجر یا سرمایه‌گذار که به نوعی تولیدکننده اصلی نیز محسوب می‌شد، نقشه مورد نظر و مقادیری پشم را در اختیار بافنده قرار می‌داد، او همچنین میزان مبلغی را که طی شده بود، پیش می‌انداخت و سرانجام ما به‌التفاوت را به هنگام تحویل کار می‌پرداخت و سپس فرش را راهی بازار می‌کرد (فلور، ۱۳۹۳: ۲۴-۲۵). فرش‌بافی در ناحیه هریس به دلیل مجاورتش با منطقه عشایری شاهسون و به سبب دسترسی به مواد خام فراوان و ارزان و نزدیکی به بازار فرش تبریز، از پیشرفت خوبی برخوردار بود. بنابراین علاوه بر آنکه پشم مورد نیاز در خود محل و به عبارتی از تولیدات مرغوب ایل شاهسون تهیه می‌شد، رنگ‌رزی این پشم‌ها نیز در خود روستاها انجام می‌شد.

بدین ترتیب، از یک سو شرایط مطلوب و مناسب فرش‌بافی در ناحیه هریس و از سوی دیگر، بازار خوب فرش‌های این ناحیه، به تدریج تجار سرمایه‌گذار تبریز را بر آن داشت تا علاوه بر پیشنهاد سفارش بافت فرش به قالی‌بافان خانگی و سروسامان دادن امور بافندگان، اقدام به راه‌اندازی کارگاه‌های بافندگی با چند دار قالی در این ناحیه نیز کنند. در این کارگاه‌ها حدود ده تا بیست دار قالی وجود داشت و بافندگان محلی به صورت روزمزد و تحت نظر یک نفر سرپرست که او را استاد می‌نامیدند، به کار بافت مشغول بودند. مزیت این شیوه بافت آن بود که علاوه بر آنکه کار بافندگی با سهولت بیشتری انجام می‌گرفت و نظارت بر آن آسان‌تر

بود (ادواردز، ۱۳۶۸: ۶۷؛ 1990: 4/880 Encyclopaedia ...)، در زمان و هزینه سرمایه‌گذار نیز صرفه‌جویی می‌شد.

با ایجاد کارگاه‌های قالی‌بافی در هریس، تولید فرش در این ناحیه تقریباً به‌طور کامل زیر نظر تجار تبریز صورت می‌گرفت. از این زمان تولید و تجارت فرش در منطقه آذربایجان از رونق خوبی برخوردار شد و فرایند تولید تحت نظارت دقیق تجار سرمایه‌گذار و تابع نوسان‌ها و تقاضاهای بازارهای برون‌مرزی بود. به عبارت بهتر، قالی‌هایی که تا آن زمان در ناحیه هریس بافته می‌شد، غالباً توسط روستاییان تولید می‌شد و در بازار فرش استانبول، خریداران اروپایی استقبال خوبی از آنها نمی‌کردند. تجار و سرمایه‌گذاران تبریز پس از مدت کوتاهی دریافتند که مشتریان مغرب‌زمین خواستار قالی‌هایی هستند که با طرح ترنج بافته می‌شود؛ به همین دلیل طرحی از طرح‌های معمولی گردان، یعنی طرح لچک‌ترنج را به استادکاران و قالی‌بافان روستاهای گوراوان، بخشایش و هریس پیشنهاد دادند. به دلیل مهارت فرش‌بافان هریس، پیشنهاد و طرح مزبور با موفقیت اجرا شد. قالی‌بافان کارگاه‌ها این طرح را به طرح شکسته تبدیل کردند و به این ترتیب طرح «هریس» یا «گوراوان» را به وجود آوردند (ادواردز، ۱۳۶۸: ۵۰، ۷۶)؛ طرحی که در بازار بیشتر مورد پسند واقع شده بود و علاوه بر آنکه نظر مشتریان زیادی را به سمت فرش آذربایجان جلب کرد، باعث توسعه عملیات تجاری بازرگانان تبریز و گسترش سرمایه‌گذاری‌های آنها در دیگر نواحی آن منطقه نیز شد.

این جنبش تولیدی تجار تبریز و ایجاد کارگاه‌ها و سروسامان دادن به تولید، به ناحیه هریس محدود نشد. از آنجا که فرش‌بافی در آذربایجان از قدمت دیرینه‌ای برخوردار بود، همزمان در برخی نواحی دیگر این منطقه نظیر خوی، ارومیه و به‌خصوص تبریز نیز کارگاه‌هایی مشابه با اتاق‌های مخصوص فرش‌بافی و رنگ‌رزی راه‌اندازی شد؛ به‌طوری که بنا به گفته کسروی، در برخی از کوی‌های تبریز مانند «هکماوار»^۱ کارگاه‌هایی نسبتاً بزرگ با سرمایه آنان به راه افتاده بود (کسروی، ۱۳۲۳: ۲۷-۲۸). منابع از جزئیات و ظرفیت کارگاه‌ها، شمار دارها و تعداد بافندگان آن آگاهی چندانی به دست نمی‌دهند، اما محدود گزارش‌های موجود بیانگر آن است که بعضی از این کارگاه‌ها تابع نظم خاصی بودند. قالی‌هایی (فرش‌های شهری‌باف) که در این کارگاه‌ها تولید می‌شد، توسط کارگران روزمزد، با استفاده از طرح‌های لچک‌ترنج و به صورت دوپود بافته می‌شدند (توفیق و خاقانی، ۱۳۴۸: ۲۵-۳۰؛ ادواردز، ۱۳۶۸: ۶۹، ۷۳). همچنین با توجه به اینکه عمده قالی‌بافان این کارگاه‌ها را بچه‌های کم‌سن و سال تشکیل می‌دادند که از خانواده‌های کم‌بضاعت بودند، در آنها برای قالی‌بافان وعده‌های غذایی

۱. از محله‌های قدیمی شهر تبریز در دوره قاجار.

نیز در نظر گرفته می‌شد (کسروی، ۱۳۲۳: ۲۷-۲۸؛ سیف، ۱۳۷۳: ۱۹۹). از دیگر ضوابط این کارگاه‌ها نظیر سایر مراکز قالی‌بافی، تعطیلی آنها در روزهای جمعه، گاه وسط هفته و مناسبت‌های مذهبی و ملی بود (ن. ک. به: ساکما، ۲۴۰/۶۳۸۶). قسمت اعظم مواد خام مورد نیاز صنعت قالی‌بافی تبریز از تولیدات ایلات و روستاییان مناطق مغان، ماکو و خوی تأمین می‌شد (توفیق و خاقانی، ۱۳۴۸: ۲۵-۳۰؛ ادواردز، ۱۳۶۸: ۶۹، ۷۳).

بدین ترتیب، با تلاش تجار تبریز از یک سو تولید فرش که در گذشته در کارگاه‌های کوچک خانگی و با حمایت مقامات محلی صورت می‌گرفت، به کارگاه‌های بزرگ راه یافت و از حمایت تجار سرمایه‌گذار برخوردار شد و با استخدام بافندگان روزمزد و نظارت در کار بافت، سازماندهی نسبی پیدا کرد. از سوی دیگر، فرش آذربایجان که تا آن زمان عمدتاً در بازارهای داخلی معامله می‌شد، از آن پس راهی بازارهای بین‌المللی (اروپا و آمریکا) شد. بنابراین در آستانه سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی در تولید و تجارت فرش آذربایجان، صنعت فرش آن منطقه تحت تأثیر عواملی چون تدابیر بازرگانان و مهارت قالی‌بافان در جایگزینی طرح‌های مورد پسند مشتریان کشورهای غربی، کنترل فنی تولید و به کارگیری مواد اولیه مرغوب و طبیعی در بافت فرش و همچنین پویایی بازار فرش تبریز، از رونق و پیشرفت خوبی برخوردار شد.

۱-۲-۲. سرمایه‌گذاری تجار و شرکت‌های خارجی در تولید و تجارت فرش در آذربایجان

در اواخر قرن نوزده میلادی، همزمان با تقاضای روزافزون برای فرش‌های مناطق مختلف ایران در بازارهای بین‌المللی، درحالی‌که سرمایه محلی در چنان وضعیتی نبود تا توسعه بافت فرش را به ورای ضریب‌های سنتی پشتیبانی کند و برای تأمین مالی افزایش تقاضای مزبور، احتیاج به سرمایه‌گذاری بیشتری بود، شرکت‌های خارجی با توجه به ظرفیت‌های موجود در داخل کشور، بازار فرش‌های ایرانی به‌خصوص فرش آذربایجان را سودآور یافتند و به سرمایه‌گذاری در صنعت فرش آنجا روی آوردند.

بنا بر مستندات موجود، تجار و کمپانی‌های آلمانی «پتاگ»^۱، روسی «محمدوف گنجه‌ای»، انگلیسی «زیگلر»^۲، هلندی «هاتس و پسران»^۳، آمریکایی «قالی شرق»^۴، «استیونس»^۵ و «برادران باردویل»^۶ و ایتالیایی «کاستلی»^۷ از مهم‌ترین شرکت‌های خارجی بودند که در اواخر قرن نوزده

1. Persische Teppich Gesellschaft
2. Ziegler
3. Hotz and Sons
4. Oriental Carpet
5. Stevens
6. Bar de ville
7. Castelli

و اوایل قرن بیستم علاوه بر فعالیت در بخش تجارت و صادرات فرش‌های آذربایجان، با ایجاد کارگاه‌های قالی‌بافی، صباغ‌خانه‌های اختصاصی و استخدام کارگران قالی‌باف در آن منطقه، در بخش تولید این کالا نیز سرمایه‌گذاری کردند (کرزن، ۱۳۸۷: ۶۸۳/۲؛ استادوخ، ۱۳۰۳/۵۷/۱۶ش؛ همان، ۱۳۳۳/۶۶/۵۹ق).

تجار روسی از سرمایه‌گذاران اصلی در صنعت فرش آذربایجان در اواخر دوره قاجار بودند. روس‌ها که در اواخر قرن نوزده میلادی نفوذ خود را در ایران گسترش داده بودند و با ایجاد راه‌های شوسه در قسمت شمال و شمال غرب کشور، با سهولت بیشتری در داخل ایران به تجارت اشتغال داشتند، با سرمایه‌گذاری در بخش تولید و تجارت فرش آذربایجان، قسمتی از تجارت این کالای سودآور را به خود اختصاص دادند. بنا بر گزارش‌های موجود، همان‌گونه که اشاره شد، طی سال‌های ۱۸۹۸-۱۸۹۹م. یک تاجر روسی به نام «محمودوف گنجه‌ای» در تبریز در محله «نوبر»^۱ یک کارخانه قالی‌بافی بزرگ متشکل از دفاتر تجاری، کارگاه‌های فرش‌بافی، رنگ‌رزخانه، انبار و نانویی احداث کرده بود که دارای دویست دار قالی بود (فلور، ۱۳۹۳: ۴۱؛ سیف، ۱۳۷۳: ۱۷۴). تعداد بافندگان این کارخانه را که معمولاً پسرچه‌های هشت یا نه ساله تشکیل می‌دادند (شاکری، ۱۳۸۴: ۱۰۵)، به تفاوت، ۶۰۰ نفر (اوبن، ۱۳۶۲: ۸۶)، ۱۵۰۰ نفر (فلور، ۱۳۹۳: ۴۱) و ۲۰۰۰ نفر (سیف، ۱۳۷۳: ۱۷۴) بیان کرده‌اند. در این کارگاه‌های بزرگ، در اتاق‌های درازی که ظرفیت پنجاه دستگاه دار عمودی را داشت و بر روی هر دستگاه به‌طور متوسط هشت یا نه نفر نشاندۀ بودند، بافندگان با حقوق ناچیزی که ماهیانه سه تا هفت تومان می‌شد، مشغول بافت بودند (اوبن، ۱۳۶۲: ۸۶؛ استادوخ، ۱۳۳۹/۵۹/۵ق). درآمد این بافندگان، درآمد اصلی خانواده آنها نبود، اما رعایایی که کودکان خردسال خود را به بافندگی وا می‌داشتند، به حدی بی‌بضاعت بودند که به این درآمد‌های ناچیز نیاز فراوانی داشتند؛ به‌طوری که کسروی آورده است: «... این کارگران چون بیمار شدند و یا مردندی، خانواده‌هایشان بینوا و گرسنه ماندندی و در این هنگام‌ها کارخانه قالی‌بافی یک گشایشی در کار آنها بودی ...» (کسروی، ۱۳۲۳: ۲۸). گفته می‌شود در این کارخانه، بافت فرش با اعمال کنترل مالی و تکنیکی تولید همراه بوده و حدود صد قالی در هر نوبت بافته می‌شده است؛ به‌طوری که بنا به گفته فلور، گردش کار سالانه کارخانه پانصد هزار روبل (حدود پنجاه هزار پوند) برآورد می‌شده است (فلور، ۱۳۹۳: ۴۱). همچنین او معتقد است تا آن زمان کارگاهی با وسعت و تشکیلات کارگاه‌های قالی‌بافی تجارتخانه «گنجی‌اف» در بخش تولید فرش در ایران احداث نشده بود. تنها تشکیلاتی با صد کارگر یا بیشتر، در چندین مرکز بافندگی در حال روی کار آمدن بود که

۱. از محله‌های تاریخی شهر تبریز در دوره قاجار.

این‌گونه کارخانجات غالباً به سرمایه‌گذاران خارجی تعلق داشتند (همان‌جا). علاوه بر روس‌ها، آلمانی‌ها نیز از سرمایه‌گذاران عمده در صنعت فرش آذربایجان در اواخر دوره قاجار بودند. همان‌گونه که اشاره شد، شرکت «پتاگ» که تحت حمایت دولت آلمان قرار داشت (اشرف، ۱۳۵۹: ۶۶)، مهم‌ترین شرکت سرمایه‌گذار در بخش تولید و تجارت فرش در آذربایجان بود که در سال ۱۹۱۲م. با یک سرمایه‌عمده در تبریز تأسیس شد (عیسوی، ۱۳۶۲: ۵۶۰). این شرکت در آستانه جنگ جهانی اول دارای دفاتر اداری، تأسیسات تجاری، کارگاه‌های قالی‌بافی و رنگرزی و پشم‌ریسی در تبریز (ن.ک. به: استادوخ، ۱۳۳۳/۴۴/۱۸ق) و خوی (لیتن، ۱۳۶۸: ۱۰۲) بود و عملیات تولیدی و تجاری آن در آذربایجان، شامل قرارداد کترات بافت با بافندگان محلی، ایجاد کارگاه‌های قالی‌بافی و همچنین صادرات فرش‌های آن منطقه به اروپا و آمریکا و واردات رنگ نیل مورد نیاز صنعت فرش آذربایجان بود (استادوخ، ۱۳۳۳/۴۴/۱۸ق؛ ادواردز، ۱۳۶۸: ۷۲). تأسیسات پتاگ در اثنای جنگ جهانی (۱۹۱۴-۱۹۱۸م) به بهانه همکاری برخی از عمال و کارکنان این شرکت با عثمانی‌ها، توسط نیروهای روسیه تخریب شد. روس‌ها علاوه بر انتقال اموال و فرش‌های شرکت به روسیه (استادوخ، ۱۳۳۳/۶۶/۵۹ق)، از جمله ششصد تخته فرش به ارزش بالغ بر صد هزار تومان (مجد، ۱۳۹۰: ۹۹)، کارکنان آن را نیز بازداشت کردند (لیتن، ۱۳۶۸: ۷۰). دولت وقت ایران که عملیات تولیدی و تجاری پتاگ را باعث رونق اقتصاد و توسعه صنعت فرش آذربایجان می‌دانست، طی یادداشتی به سفارت روسیه، نسبت به اقدامات و عملیات نظامیان روسیه اعتراض کرد، اما دولت روسیه ضمن تکذیب غارت اموال تجارت‌خانه و کارخانه‌های تولیدی مزبور توسط نظامیان، یادآور شد که تصرف ساختمان و اموال تجارت‌خانه و کارخانه‌های مذکور، به‌طور موقت و برای استفاده به عنوان سربازخانه بوده و پس از پایان جنگ، به شرکت پتاگ تحویل داده خواهد شد (استادوخ، ۱۳۳۳/۶۶/۵۹ق؛ مجد، ۱۳۹۰: ۹۹). براساس مستندات موجود، با توجه به تخریب ساختمان تجارت‌خانه و خسارات مالی وارده به کارخانه‌های این شرکت در تبریز، در سال ۱۹۱۷م. نمایندگی آن به‌طور موقت تعطیل شد (استادوخ، ۱۳۳۶/۵۵/۲۱ق). البته پس از پایان جنگ، دوباره فعالیت‌های تولیدی و تجاری پتاگ در تبریز و سایر نقاط آذربایجان از سر گرفته شد و تا اواخر دوره قاجار ادامه داشت (همان، ۱۳۳۸/۴۴/۷ق؛ همان، ۱۳۰۲/۵۷/۱۳ش؛ همان، ۱۳۰۴/۳۸/۵۶ش).

گزارش‌های موجود هیچ‌گونه آگاهی درباره گستره سرمایه‌گذاری و عملیات تولیدی و تجاری، تعداد کارگاه‌ها و شمار دارهای قالی‌بافی و همچنین تعداد بافندگان تحت نظارت شرکت‌های زیگلر، هاتس، قالی شرق، استیونس و کاستلی در منطقه آذربایجان به دست

نمی‌دهند، اما معدود گزارش‌های به جا مانده از این دوره بیانگر آن است که وسعت عملیات و فعالیت‌های این شرکت‌ها در صنعت فرش آذربایجان در سال‌های پیش از جنگ جهانی چشمگیر بوده است؛ چنان‌که بنا به گفته کسروی، این کمپانی‌ها علاوه بر سفارش و قرارداد کترات بافت فرش با بافندگان محلی و استخدام کارگران و بافندگان بومی در کارگاه‌های بافندگی، از طریق توزیع پشم بین بافندگان نظام خانواری، شماری از این نوع بافندگان را نیز به این صورت به کار می‌گرفتند (کسروی، ۱۳۲۳: ۱۴۷).

گفتنی است با توجه به گسترش عملیات تولیدی و تجاری کمپانی‌های خارجی در صنعت فرش آذربایجان در اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیستم میلادی، انتظار می‌رفت شرایط کاری و وضعیت حاکم بر محیط کار بافندگان بهبود یابد، اما به دلیل نبود قانون کار و کارگری در ایران (استادوخ، ۱۳۳۹/۵۹/۵) و سوء استفاده کارفرمایان، حتی در سال‌های پایانی دوره قاجار، شرایط مذکور همچنان بد و ناهنجار بوده است؛ به طوری که در سال ۱۹۲۱م. وزارت فلاحت و تجارت در گزارش خود آورده است: «... وضعیت کارگران و کارخانجات قالی بافی ... به کلی برخلاف حفظ‌الصحه و بقسمی است که پس از چندی اطفال کارگر در کارخانجات به کلی علیل و فلج شده در اول جوانی از کار می‌افتند...» (ساکما، ۲۹۳/۶۴۴۶). همزمان گزارش مشابهی نیز از طرف سازمان بین‌المللی مشاغل انتشار یافت که در آن به وضعیت نامناسب محیط کارگاه‌های قالی بافی اشاره شده بود که در زیرزمین‌ها و محل‌های مرطوب تعبیه شده بود. این کارگاه‌ها شامل اتاق‌هایی کوچک، بدون جریان هوا و فاقد پنجره بود که در آن کودکان خردسال از طلوع آفتاب تا غروب با حقوق اندکی مشغول به کار بودند (ساکما، ۲۹۳/۵۵۰۷).

به هر حال، با سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی در صنعت فرش آذربایجان در اواخر دوره قاجار، با وجود اینکه آنها ابداع کننده سبک جدیدی در تولید فرش نبودند، بلکه ادامه دهنده همان سبک تجار تبریز در فرش بافی بودند، اما گزارش‌های موجود بیانگر آن است که در کوتاه‌مدت حجم تولید و به تبع آن ارزش صادرات فرش آن منطقه از رشد خوبی برخوردار شد.

با گسترش فعالیت‌ها و عملیات تولیدی و تجاری این شرکت‌ها در بخش تولید و تجارت فرش آذربایجان در اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیستم میلادی، تنها تعداد معدودی از بازرگانان این منطقه به دلیل محدودیت سرمایه و عدم توان رقابت با شرکت‌های خارجی، به عنوان عاملان این تجارت‌خانه‌ها مشغول به فعالیت بودند (استادوخ، ۱۳۲۹/۵۴/۲۶). به عبارت بهتر، صنعت قالی بافی آذربایجان در اواخر دوره قاجار در انحصار شرکت‌های خارجی

نبود (ن.ک. به: همان، ۱۳۲۹/۱۱/۳۹ق). از آنجا که بخش عمده قالی‌های این ایالت، توسط خانوارهای روستایی و در کارگاه‌های خانگی تهیه می‌شد (سیف، ۱۳۷۳: ۱۴۰)، تولید این فرش‌ها تقریباً به‌طور کامل زیر نظر بازرگانان تبریز صورت می‌گرفت (یزدانی، ۱۳۸۹: ۱۹). از بازرگانان سرشناس آذربایجان در این دوره می‌توان از کسانی چون حاج مهدی کوزه‌کنانی، حاج رسول صدقیانی، حاج میرزا آقا فرش، حاج تقی تبریزی، حاج محمدباقر ویجویه‌ای، مشهدی علی ماهوتچی (ناهیدی آذر، ۱۳۸۹: ۷۱-۷۶)، حاجی حسن آقا تاجرباشی، حاجی ملاآقا تاجر، حاجی علی اصغر پارسا تاجر (آقاسی، ۱۳۵۰: ۲۹۵)، مشهدی محمد خوبی و حاج کاظم خوبی (یوسفی‌نیا، ۱۳۸۸: ۴۳۷-۴۴۱) نام برد.

این‌گونه بود که با فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های تجار تبریز و سپس شرکت‌های خارجی در تولید و تجارت فرش آذربایجان، صنعت فرش این منطقه در اواخر دوره قاجار از رونق خوبی برخوردار شد. گزارش‌های موجود بیانگر آن است که در سال‌های ۱۹۰۵-۱۹۰۶م، تنها در تبریز و بخش‌های پیرامون آن، حدود صد کارگاه و ۱۲۰۰ دار قالی وجود داشت و در مجموع ده‌هزار نفر از این راه امرار معاش می‌کردند (اوبن، ۱۳۶۲: ۷۱؛ دالمانی، ۱۳۳۵: ۱۳۳). فعالیت‌های تجار و شرکت‌های داخلی و خارجی در صنعت فرش آذربایجان، با وجود وقفه کوتاه‌مدت ناشی از ناامنی‌های حاصل از حضور نیروهای متجاوز بیگانه در آذربایجان طی سال‌های جنگ جهانی اول، کماکان تا اواخر دوره قاجار ادامه داشته است؛ به‌طوری که بنا بر مستندات موجود، در سال‌های پایانی دوره قاجار «... پنج‌هزار دستگاه قالی‌بافی در شهر تبریز و توابع ... دایر و متجاوز از چهارده هزار نفر کارگر در دستگاه‌های فوق...» (روزنامه اقدام، چهارشنبه ۲۰ شعبان ۱۳۴۵ق: شماره ۱۷۶، ص ۲) مشغول بافندگی بودند.

۳-۲-۱. تجارت و صادرات فرش در آذربایجان در اواخر دوره قاجار

با سرمایه‌گذاری تجار و کمپانی‌های داخلی و خارجی در صنعت فرش آذربایجان در اواخر دوره قاجار، علاوه بر آنکه صنعت مزبور از توسعه و پیشرفت خوبی برخوردار شد، به دلیل موقعیت تجاری و ترانزیتی این منطقه، تعدد تجار و شرکت‌های سرمایه‌گذار در تجارت فرش آنجا و پویایی بازار فرش تبریز، آذربایجان به یکی از مبادی اصلی تجارت و صادرات فرش نیز تبدیل شد (ساکما، ۲۴۰/۶۱۱۴۰)؛ چنان‌که بنا به گفته اوبن، ارزش صادرات فرش از آنجا طی سال‌های ۱۹۰۵-۱۹۰۶م. معادل ۲۲۵۱۹۸۰ قران برآورد شد (اوبن، ۱۳۶۲: ۸۵). به عبارت دیگر، بنا بر گزارش‌های موجود، طی سال‌های ۱۸۷۰-۱۹۰۵م. میزان صادرات قالی از آذربایجان به خارج از کشور بیش از دوازده برابر شد (یزدانی، ۱۳۸۹: ۱۸) که خود میزان قابل ملاحظه‌ای

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۱، شماره ۴۹، بهار ۱۴۰۰ / ۱۳۳

بود و نشان دهنده رشد روزافزون صنعت فرش آن منطقه در اواخر دوره قاجار بود؛ فرش‌هایی که عمدتاً به بازار روسیه و از طریق بازار ترکیه راهی کشورهای اروپایی و آمریکا می‌شده است (دالمانی، ۱۳۳۵: ۱۰۲، ۵۲۰؛ اوین، ۱۳۶۲: ۸۶؛ ساکما، ۲۴۰/۴۷۹۷).

جدول ذیل که براساس داده‌های مندرج در گزارش‌های کنسولی دول اروپایی در ایالت آذربایجان طی سال‌های ۱۸۷۳-۱۹۰۹م، تنظیم شده، به روشنی‌ضح بیانگر رشد تجارت فرش و روند صعودی و افزایش صادرات این کالا از آذربایجان طی سال‌های ۱۸۷۰-۱۹۰۷م است.

جدول شماره ۱. ارزش قالی‌های صادراتی از آذربایجان به اروپا و روسیه در سال‌های ۱۸۷۰-۱۹۰۷م (سیف، ۱۳۷۳: ۱۸۶).

سال	به تومان	شاخص	به لیره استرلینگ	شاخص
۱۸۷۰م	۳۳۰۰۰	۱۰۰	۱۳۲۰۰۰	۱۰۰
۱۸۷۱م	۷۱۷۰۰	۲۱۷	۲۸۶۸۰	۲۱۷
۱۸۷۲م	۱۹۵۰۰۰	۵۹۱	۷۸۰۰۰	۵۹۱
۱۸۷۳م	۱۹۷۲۲۲	۵۹۸	۸۲۱۷۶	۶۲۲
۱۸۷۷م	۱۲۱۲۰۰	۳۶۷	۴۰۰۰۰	۳۰۳
۱۸۸۵م	۱۵۵۲۹۸	۴۷۱	۴۹۴۵۸	۳۷۵
۱۸۸۷م	۲۸۲۱۵۶	۸۵۵	۸۰۶۱۶	۶۱۱
۱۸۸۹م	۱۹۱۳۱۶	۵۸۰	۶۳۷۷۲	۴۸۳
۱۸۹۳م	۳۱۷۰۸۴	۹۶۱	۷۱۳۴۴	۵۴۰
۱۸۹۴م	۳۸۵۰۰۰	۱۱۶۷	۷۳۳۳۴	۵۵۶
۱۸۹۵م	۷۳۰۰۰۰	۲۲۱۲	۱۴۶۰۰۰	۱۱۰۶
۱۸۹۶م	۶۵۰۰۰۰	۱۹۷۰	۱۳۰۰۰۰	۹۸۵
۱۸۹۹م	۶۹۰۵۱۵	۲۰۹۲	۱۳۸۱۰۳	۱۰۴۶
۱۹۰۰م	۸۷۶۲۲۱	۲۶۵۵	۱۷۵۲۴۴	۱۳۲۸
۱۹۰۳م	۱۴۲۹۵۳۸	۴۳۳۲	۲۵۹۹۱۶	۱۹۶۹
۱۹۰۴م	۲۰۶۹۶۰۰	۶۲۷۱	۳۴۷۸۳۲	۲۶۳۵
۱۹۰۵م	۲۱۳۶۳۰۵	۶۴۷۴	۴۲۷۲۶۱	۳۲۳۷
۱۹۰۶م	۳۹۷۱۳۳۰	۱۲۰۳۴	۷۹۴۲۶۶	۶۰۱۶
۱۹۰۷م	۲۱۰۵۵۱۰	۶۳۸۰	۴۲۱۱۰۲	۳۱۹۰

ما آگاهی درستی درباره دلایل تنزل ارزش فرش‌های صادره از آذربایجان از ۲۰۹۱۰۰ تومان در سال ۱۸۴۴م. به ۳۳۰۰۰ تومان در ۱۸۷۰م. نداریم، اما براساس مندرجات جدول بالا، طی اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیستم میلادی، با وجود افت و خیز نسبی در ارزش فرش‌های صادره از این ایالت (یعنی از ۱۳۲۰۰۰ لیره در سال ۱۸۷۰م. به ۴۰۰۰۰ لیره در ۱۸۷۷م و ۴۲۷۲۶۱ لیره در ۱۹۰۵م)، در مجموع صادرات فرش از این ایالت طی سال‌های پیش از جنگ جهانی اول دارای روند صعودی و رو به رشد بوده است؛ به طوری که متوسط سالیانه صادرات برای سال‌های ۱۹۰۰-۱۹۰۷م. حدود ۱۷ برابر صادرات قالی در دهه ۱۸۷۰م. و نزدیک به ۱۰ برابر صادرات این کالا در سال ۱۸۴۴م. بوده است (سیف، ۱۳۷۳: ۱۸۷). رشد صادرات فرش از ۴۲۷۲۶۱ لیره در سال ۱۹۰۵م. به ۷۹۴۲۶۶ لیره در ۱۹۰۶م. و تنزل آن به ۴۲۱۱۰۲ لیره در ۱۹۰۷م، از یک سو در نتیجه معاهده تجاری ایران و روسیه در سال ۱۹۰۶م. و رشد تجارت ایران با این کشور از ۹۶ میلیون فرانک در سال ۱۹۰۲م. به ۱۷۰ میلیون فرانک در ۱۹۰۶م. بود (پاولویچ، ۱۳۵۷: ۲۵) و از سوی دیگر، به سبب تأثیرات انقلاب مشروطه و اوضاع مشوش تبریز مرکز آذربایجان در سال ۱۹۰۷م. و همچنین اخراج مسیو نوز بلژیکی مدیر گمرکات کشور در همین سال و ناامنی‌های حاصل از نفوذ روس‌ها و عثمانی‌ها در مرزهای شمال و شمال غرب کشور در این زمان بوده است (زینویف، ۱۳۶۲: ۴۵-۴۶؛ ایوانف، ۱۳۵۶: ۱۷-۲۵).

با کمی دقت در نمودار جدول بالا که در ذیل نمایش داده شده است، روند صعودی ارزش قالی‌های صادراتی از آذربایجان طی مدت مذکور به وضوح نمایان است.

نمودار شماره ۱: ارزش صادرات فرش از آذربایجان به اروپا و روسیه در سال‌های ۱۸۷۰-۱۹۰۷م (به لیره استرلینگ) (منبع: نگارنده).



فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۱، شماره ۴۹، بهار ۱۴۰۰ / ۱۳۵

فعالیت‌های تجاری تجار و شرکت‌های داخلی و خارجی در منطقه آذربایجان، تا آغاز جنگ جهانی به سرعت گسترش پیدا کرد، اما با شروع جنگ در سال ۱۹۱۴م «... به واسطه مسدود شدن راه‌ها و قطع روابط تجاری بین‌المللی...» (مجله فلاح و تجارت، شنبه ۱ آذر ۱۲۹۷ش: شماره ۹، ص ۱۵۰) و همچنین ناامنی‌های اجتماعی و اقتصادی حاصل از نفوذ و حضور عثمانی‌ها و روس‌ها در قسمت‌هایی از شمال غرب ایران (ن.ک. به: ساکما، ۶۷۶/۲۴۰)، نه تنها این‌گونه عملیات و فعالیت‌ها در بخش صنعت فرش آذربایجان به‌طور موقت تعطیل شد، بلکه برخی از تجارت‌خانه‌ها و کارگاه‌های قالی‌بافی در تبریز و نواحی پیرامون آن توسط نیروهای متجاوز بیگانه به بهانه‌های گوناگون تخریب و غارت شده بود (استادوخ، ۱۳۳۳/۶۶/۵۹ق؛ همان، ۱۳۳۶/۵۵/۲۱ق) و خسارت عمده‌ای به تولید و تجارت فرش آن منطقه وارد آمد؛ چنان‌که اداره گمرک تبریز در سال ۱۹۱۹م. طی گزارشی آورده است: «... جنگ بین‌المللی سبب به صنعت فرش وارد آورده، سرمایه‌های گزاف بیکار افتاده و به همین جهت از قیمت قالی‌هایی که از چندین سال به این طرف روی هم جمع شده، کاسته می‌شود...» (ساکما، ۱۴۹۴/۲۴۰).

سرانجام، پس از پایان جنگ و برقراری مجدد روابط تجاری ایران و روسیه (روزنامه ستاره ایران، یکشنبه ۱۵ محرم ۱۳۴۰ق: شماره ۴۶، ص ۲)، قسمت عمده سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌ها در بخش تجارت فرش آذربایجان، دوباره در بستر گذشته از سر گرفته شد و تا اواخر دوره قاجار ادامه پیدا کرد.

جدول ذیل که براساس گزارش‌های «اداره فلاح و تجارت آذربایجان» و داده‌های مندرج در «روزنامه اقدام» در سال ۱۹۲۷م تنظیم شده، نشان دهنده ارزش صادرات فرش‌های این ایالت طی سال‌های ۱۹۲۱-۱۹۲۵م است.

جدول شماره ۲. ارزش فرش‌های صادراتی آذربایجان به روسیه و ترکیه در سال‌های ۱۹۲۱-

۱۹۲۵م. (روزنامه اقدام، چهارشنبه ۲۰ شعبان ۱۳۴۵ق: شماره ۱۷۶، ص ۲).

سال	ارزش (به قران)
۱۹۲۱م	۶۷۲۰۹۲۳
۱۹۲۲م	۱۸۳۳۸۴۰۸
۱۹۲۳م	۷۳۴۰۹۳۴
۱۹۲۴م	۶۷۳۳۵۴۰
۱۹۲۵م	۸۹۸۷۶۶۲

همان‌گونه که مندرجات جدول بالا نشان می‌دهد، به استثنای سال ۱۹۲۲م. که ارزش صادرات فرش از کشور رقم قابل ملاحظه‌ای بود، در سال‌های پایانی دوره قاجار بنا به دلایل مختلف، صادرات فرش از آذربایجان به بازارهای ترکیه (اروپا و آمریکا) و روسیه نسبت به سال‌های قبل از جنگ، روند نزولی داشته است. اولاً از این زمان بازرگانان عمدتاً به جای حمل این مال‌التجاره به بنادر و بازارهای عثمانی، به‌خصوص استانبول و صادرات آن به اسم فرش ترکیه، خود به صورت مستقیم اقدام به حمل فرش‌های صادراتی به بازارهای اروپا و آمریکا می‌کردند (استادوخ، ۱۳۰۴/۳۳/۸۴ش؛ فراهانی، ۱۳۸۵: ۶۸۶/۲). ثانیاً بعد از جنگ جهانی اول، تاجار روسیه و ترکیه و «...تجارتخانه‌های مهم توجه خود را به محل‌های دیگر قالی‌بافی از قفقاز و آناتولی و غیره معطوف داشتند...» (ساکما، ۲۴۰/۶۷۶). ثالثاً صادرات قالی از آذربایجان به اتحاد جماهیر شوروی، جزء اشیای تجملی محسوب می‌شد و با ممانعت و تعرفه گمرکی سنگین از طرف این کشور مواجه شد (روزنامه اقدام، یکشنبه ۱۱ رجب ۱۳۴۵ق: شماره ۱۵۳، ص ۳)؛ به‌طوری که در سال ۱۹۱۹م. براساس گزارش وزیر مالیه کشور به رئیس‌الوزرای وقت، تعرفه گمرکی حکومت آذربایجان شوروی برای هر پوپ قالی تبریز و هریس، ۷۵۰۰ روبل بوده است (استادوخ، ۱۳۳۸/۱۵/۱۵ق؛ ساکما، ۲۴۰/۱۶۴۵). به نظر می‌رسد تصمیم حکومت آذربایجان برای ترویج قالی‌بافی و ایجاد مراکز فرش‌بافی در منطقه قفقاز همزمان با اواخر دوره قاجار، از دلایل اصلی تصمیم دولت شوروی برای تعیین تعرفه گمرکی سنگین برای قالی‌های ایرانی و ممانعت از صدور آنها بوده است. مستندات موجود نیز به خوبی این گفته را تصدیق می‌کند؛ چنان‌که براساس این اسناد، در سال ۱۹۲۳م. وزارت امور خارجه وقت طی گزارش خود به وزارت فلاح و تجارت آورده است: «راپورتی از جنرال قونسولگری بادکوبه راجع به تجارت قالی به وزارت امور خارجه... رسیده و حاکی است بر اینکه کارکنان حکومت آذربایجان جهت ترویج قالی‌بافی در آذربایجان قفقاز و حمل و نقل به آمریکا و انگلستان اقدامات و جدیتی مبذول داشته... و اشخاص به قراوغ... مرکز قالی‌بافی آذربایجان قفقاز فرستاده و کارگران را تشویق و مخصوصاً آنها را وادار نمایند از روی دستوری که داده می‌شود قالی تهیه نمایند تا به بازارهای انگلستان و آمریکا بفرستند و از این راه بهره زیادی برند و در تغلیس و بادکوبه و گنجه نیز مراکزی برای خریداری تشکیل داده‌اند...» (استادوخ، ۱۳۰۴/۳۶/۹ش). وزارت فلاح و تجارت نیز پس از دریافت این گزارش، با توجه به اهمیت اقتصادی صادرات قالی از راه آذربایجان به شوروی، طی مکاتبه با وزارت خارجه خاطرنشان کرد: «... از قرار راپورت واصله نظر به اینکه اتحاد جماهیر شوروی اجازه صدور قالی ایران را نمی‌دهد... با مساعدت‌هایی که دولت علیه راجع به تجارت اتحاد جماهیر شوروی به عمل

می‌آورد... و یا حقوقی که در قرارداد تجارتي که راجع به آتیه ایران دولت مزبور قائل شده، مقتضی می‌باشد که اتحاد جماهیر شوروی هم همان رویه را نسبت به تجارت ایران تعقیب نماید و چون نکث تجارت قالی در یکی از مهم‌ترین صادرات ایران به شمار می‌رود، در تجارت ایران خیلی مؤثر واقع خواهد شد. متمنی است با اولیای تجارت اتحاد جماهیر شوروی مذاکرات و اقدامات لازمه راجع به آزادی ترانزیت قالی ایران به عمل آورند» (همان، همان‌جا). با سقوط سلسله قاجار در سال ۱۹۲۳م. و شکل‌گیری سلسله پهلوی و سیاست ایرانی کردن مؤسسات خارجی توسط رضاشاه، تولید و تجارت فرش در کشور به تدریج از نظارت تجار و شرکت‌های خارجی خارج شد و تحت مدیریت تجار و کارفرمایان ایرانی و شرکت سهامی فرش قرار گرفت. در آذربایجان نیز صنعت فرش تحت مدیریت بازرگانان و قالی‌بافان و شرکت سهامی فرش آن منطقه درآمد و از آن پس تولید، تجارت و صادرات فرش در آنجا از رشد بالایی برخوردار شد؛ به طوری که در دوره پهلوی اول شکوفایی صنعت فرش آذربایجان را شاهدیم.

نتیجه‌گیری

آذربایجان در دوره قاجار به سبب جغرافیای طبیعی و شرایط اقلیمی مساعد و دارا بودن موقعیت اقتصادی و تجاری مناسب، از مراکز اصلی تولید و بافت فرش در کشور و از کانون‌های اصلی تجارت این کالا به خارج از کشور بوده است. این ویژگی‌های منحصر به فرد، از یک سو باعث شکل‌گیری زندگی عشایری و روستایی و رونق دامداری و رواج صنایع دستی نظیر قالی‌بافی، قالیچه‌بافی و گلیم‌بافی در بین اهالی آن خطه شده بود و از سوی دیگر، موجب پیدایش طبقه اجتماعی تاجر و بازرگان در آن منطقه شد که با توجه به نوع فعالیت خود (تجاری، صرافانی و غیره) نقش عمده‌ای در اقتصاد آذربایجان ایفا می‌کردند.

در نیمه اول قرن نوزده میلادی فرش‌بافی در آذربایجان عموماً یک حرفه روستایی بوده که توسط روستاییان و معدودی از بافنده‌های شهری و در کارگاه‌های کوچک خانگی با استفاده از مواد اولیه‌ای که در همان محل تهیه می‌شد، انجام می‌گرفت. بنابراین از آنجا که حجم تولید محدود بوده، معمولاً به عنوان یک کالای تجاری داخلی مطرح بوده و در بازارهای داخلی نظیر بازار تبریز مورد معامله قرار می‌گرفته است. در چنین شرایطی، مقامات و استادکاران محلی از حامیان اصلی تولید و تجارت فرش به روش سنتی بودند.

از نیمه دوم قرن نوزده میلادی صنعت فرش آذربایجان به تدریج از توسعه خوبی برخوردار شد. در این ایام، تجار این منطقه که در نقش وارد کنندگان مصنوعات کشورهای اروپایی به

کشور و صادر کنندگان تولیدات داخلی به خارج از مملکت، سرمایه خوبی به دست آورده بودند، با مشاهده تقاضا برای فرش آذربایجان در خارج از کشور، ظرفیت‌های تولید و تجارت فرش در آن منطقه را مناسب تشخیص دادند. آنها ابتدا مبادرت به سرمایه‌گذاری در بخش تجارت و صادرات این کالا به بازارهای خارج از کشور کردند، اما طولی نکشید که نخست از طریق انجام قرارداد کتبرات بافت با بافندگان محلی و سپس ایجاد کارگاه‌های قالی‌بافی و همچنین استخدام کارگران قالی‌باف و سازماندهی نسبی تولید در نواحی هریس، خوی، تبریز و غیره، نظارت بر تولید فرش در آذربایجان را نیز به دست گرفتند. این‌گونه بود که تولید و تجارت فرش در آن منطقه تحت حمایت این تجار درآمد. به عبارت بهتر، این گروه نقش مقامات محلی را در حمایت از تولید و تجارت فرش ایفا می‌کردند.

گفتنی است رشد تولید و تجارت فرش در آذربایجان به اینجا ختم نشد. در اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیستم میلادی تجار و شرکت‌های خارجی نظیر شرکت‌های انگلیسی، هلندی، آلمانی، ایتالیایی، روسی و آمریکایی نیز تحت تأثیر تقاضای روزافزون برای فرش‌های آذربایجان در بازارهای بین‌المللی، به سرمایه‌گذاری در بخش تولید و تجارت فرش‌های آن منطقه روی آوردند. این شرکت‌ها با ایجاد تجارت‌خانه‌ها، دفاتر تجاری، کارگاه‌های بزرگ قالی‌بافی و صباغ‌خانه‌های اختصاصی در سطح آذربایجان و استخدام تعداد زیادی از کارگران و بافندگان قالی‌باف، تحول دیگری را در صنعت فرش آذربایجان رقم زدند؛ به طوری که با راه‌اندازی حدود صد کارگاه و ۱۲۰۰ دار قالی در سال‌های ۱۹۰۵-۱۹۰۶م. در تبریز و بخش‌های پیرامون آن، علاوه بر آنکه حجم فرش‌های تولیدی در آن منطقه را افزایش دادند، ارزش قالی‌های صادره از کانون صادراتی آذربایجان به بازارهای جهانی نیز سیر صعودی به خود گرفت؛ چنان‌که متوسط سالیانه صادرات فرش از آذربایجان در دهه ۱۹۰۰م، به چیزی حدود ۱۷ برابر صادرات قالی در دهه ۱۸۷۰م رسید. بدین ترتیب، تحت تأثیر سرمایه‌گذاری‌ها و عملیات تولیدی و تجاری تجار و شرکت‌های داخلی و خارجی، صنعت فرش آذربایجان در سال‌های پیش از جنگ جهانی اول به مرحله‌ای از شکوفایی رسیده بود.

وقوع جنگ جهانی اول در نیمه اول قرن بیستم و حضور نیروهای بیگانه در منطقه آذربایجان، وقفه‌ای کوتاه‌مدت در پویایی صنعت فرش آنجا ایجاد کرد، اما پس از پایان جنگ دوباره تولید، تجارت و صادرات فرش در آذربایجان در بستر گذشته از سر گرفته شد و تا پایان دوره قاجار ادامه پیدا کرد.

منابع و مأخذ

الف. کتابها

- آقاسی، مهدی (۱۳۵۰)، *تاریخ خوی*، تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
- اشرف، احمد (۱۳۵۹)، *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران*، تهران: زمینه.
- ادواردز، سیسیل (۱۳۶۸)، *قالی ایران*، ترجمه مهین دخت صبا، تهران: فرهنگ‌سرا.
- اوین، اوژن (۱۳۶۲)، *ایران امروز (۱۹۰۶-۱۹۰۷ م.)*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: زوار.
- اورسل، ارنست (۱۳۸۲)، *سفرنامه قفقاز و ایران*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ایوانف، میخائیل سرگه‌یویچ (۱۳۵۶)، *تاریخ نوین ایران*، ترجمه هوشنگ تیزابی و حسن قائم‌پناه، تهران: [بی‌نا].
- پاولویچ، م. و. س. ایرانسکی (۱۳۵۷)، *انقلاب مشروطیت ایران و ریشه‌های اجتماعی و اقتصادی آن*، ترجمه محمدباقر هوشیار، تهران: رودکی.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸)، *ایران و ایرانیان*، ترجمه کیکاووس جهان‌داری، تهران: انتشارات خوارزمی.
- توفیق، فیروز و عباس خاقانی (۱۳۴۸)، *بررسی صنعت فرش در ایران: گزارش‌های منطقه‌ای*، تهران: سازمان برنامه، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- حاج سیاح (۱۳۵۶)، *خاطرات*، به کوشش حمید سیاح، تهران: امیرکبیر.
- دالمانی، هانری رنه (۱۳۳۵)، *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*، ترجمه و نگارش فره‌وشی (مترجم همایون)، تهران: ابن‌سینا.
- زینویف، ایوان الکسیویچ (۱۳۶۲)، *انقلاب مشروطیت ایران*، ترجمه ابوالقاسم اعتصامی، تهران: اقبال.
- سیف، احمد (۱۳۷۳)، *اقتصاد ایران در قرن نوزدهم*، تهران: نشر چشمه.
- شاکری، خسرو (۱۳۸۴)، *پیشینه‌های اقتصادی اجتماعی جنبش مشروطیت و انکشاف سوسیال دموکراسی در آن عهد*، تهران: اختران.
- فراهانی، حسن و هدایت‌الله بهبودی (۱۳۸۵)، *روزشمار تاریخ معاصر ایران*، ج ۲، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- فلور، ویلم (۱۳۹۳)، *صنایع کهن (۱۸۰۰-۱۹۲۵)*، ترجمه علیرضا بهارلو، تهران: پیکره.
- فیودورکوف، بارون [بی‌تا]، *سفرنامه بارون فیودورکوف*، ترجمه اسکندر ذبیحیان، تهران: فکر روز.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۲)، *تاریخ اقتصادی ایران عصر قاجار (۱۲۱۵-۱۳۲۲ ق.)*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره.
- کرزن، ج. ن. (۱۳۸۷)، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، ج ۱، ۲، تهران: علمی و فرهنگی.
- کسروی، احمد (۱۳۲۳)، *زندگانی من*، تهران: چاپاک.

۱۴۰ / بررسی وضعیت و سیر تحول تولید و تجارت فرش در آذربایجان در دوره قاجار ... / مصطفی ملایی

- لیتن، ویلهلم (۱۳۶۸)، *خاطرات لیتن، سرکنسول آلمان در تبریز در اثنای جنگ جهانی اول*، ترجمه پرویز صدری، تهران: ایراتشهر.
- مجد، محمدقلی (۱۳۹۰)، *انگلیس و اشغال ایران در جنگ جهانی اول*، ترجمه مصطفی امیری، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- ناهیدی آذر، عبدالحسین (۱۳۸۹)، *تجار و دهقانان در عصر مشروطه*، تبریز: اختر.
- یزدانی، سهراب (۱۳۸۹)، *مجاهدان مشروطه*، تهران: نشر نی.
- یوسفی‌نیا، راضیه (۱۳۸۸)، *اسناد تجاری ادوار اول تا پنجم مجلس شورای ملی (۱۳۱۵-۱۳۰۳ش)*، تهران: کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

ب. اسناد و نشریات

- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)، سند شماره ۱۳۲۰/۹/۱۶ق.
- _____ ، سند شماره ۱۳۲۴/۱۳/۱۱ق.
- _____ ، سند شماره ۱۳۲۶/۵۴/۱۳ق.
- _____ ، سند شماره ۱۳۲۹/۱۱/۳۷ق.
- _____ ، سند شماره ۱۳۲۹/۱۱/۳۹ق.
- _____ ، سند شماره ۱۳۲۹/۵۴/۲۶ق.
- _____ ، سند شماره ۱۳۳۳/۶۶/۵۹ق.
- _____ ، سند شماره ۱۳۳۳/۴۴/۱۸ق.
- _____ ، سند شماره ۱۳۳۶/۵۵/۲۱ق.
- _____ ، سند شماره ۱۳۳۷/۳۱/۲۵ق.
- _____ ، سند شماره ۱۳۳۸/۱۵/۱۵ق.
- _____ ، سند شماره ۱۳۳۸/۴۴/۷ق.
- _____ ، سند شماره ۱۳۳۹/۵۹/۵ق.
- _____ ، سند شماره ۱۳۳۹/۵۶/۱۱ق.
- _____ ، سند شماره ۱۳۰۲/۵۷/۱۳ش.
- _____ ، سند شماره ۱۳۰۳/۵۷/۱۶ش.
- _____ ، سند شماره ۱۳۰۴/۳۳/۸۴ش.
- _____ ، سند شماره ۱۳۰۴/۳۶/۹ش.
- _____ ، سند شماره ۱۳۰۴/۳۸/۵۶ش.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شناسه سند: ۲۴۰/۶۷۶.
- _____ ، شناسه سند: ۲۹۳/۶۴۴۶.
- _____ ، شناسه سند: ۲۹۳/۵۵۰۷.
- _____ ، شناسه سند: ۲۴۰/۴۷۴۸۲.

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۱، شماره ۴۹، بهار ۱۴۰۰ / ۱۴۱

_____، شناسه سند: ۲۴۰/۱۴۹۴.

_____، شناسه سند: ۲۴۰/۱۶۴۵.

_____، شناسه سند: ۲۴۰/۶۱۱۴۰.

_____، شناسه سند: ۲۴۰/۶۳۸۶.

_____ روزنامه اقدام (یکشنبه ۱۱ رجب ۱۳۴۵ق)، شماره ۱۵۳، ص ۳.

_____ (چهارشنبه ۲۰ شعبان ۱۳۴۵ق)، شماره ۱۷۶، ص ۲.

_____ روزنامه ستاره ایران (یکشنبه ۱۵ محرم ۱۳۴۰ق)، شماره ۴۶، ص ۲.

_____ مجله فلاح و تجارت (شنبه ۱ آذر ۱۳۹۷ش)، شماره ۹، ص ۱۵۰.

منابع لاتین

- *Encyclopaedia Iranica* (1990), "History and art of Carpet weaving in iran", Vol. IV, Edited By Ehsan Yarshater, London And Newyork.



List of sources with English handwriting

Documents

- STADOKH: 1320AH./9/16
- STADOKH: 1324 AH./13/11
- STADOKH: 1326 AH./54/13
- STADOKH: 1329 AH./11/37
- STADOKH: 1329 AH./11/39
- STADOKH: 1329 AH./54/26
- STADOKH: 1333 AH./66/59
- STADOKH: 1333 AH./44/18
- STADOKH: 1336 AH./55/21
- STADOKH: 1337 AH./31/25
- STADOKH: 1338 AH./15/15
- STADOKH: 1338 AH./44/7
- STADOKH: 1339 AH./59/5
- STADOKH: 1339 AH./56/11
- STADOKH: 1302 Š./57/13
- STADOKH: 1302 Š./33/84
- STADOKH: 1304 Š. 36/9
- STADOKH: 1304 Š. 1304/38/56
- SAKMA: Document ID, 240/676
- SAKMA: Document ID, 293/6446
- SAKMA: Document ID, 293/5507
- SAKMA: Document ID, 240/47482
- SAKMA: Document ID, 240/ 1494
- SAKMA: Document ID, 240/ 1645
- SAKMA: Document ID, 240/ 61140
- SAKMA: Document ID, 240/6386

Persian Sources

- Ašraf, Aḥmad (1359 Š.), *Mavāne' Tārīkī-e Rošd-e Sarmāyedārī dar Īrān*, Tehran: Zamīna. [In Persian]
- Āqāsī, Mehdī (1350 Š.), *Tārīk-e koy*, Tabriz: Moasisa-ye Tārīk va Farhang-e Īrān. [In Persian]
- Farāhānī, Ḥasan; Hedāyat Behbūdī (1385 Š.), *Rūzšomār Tārīk-e Mo'āšir-e Īrān*, Vol. 2, Tehran: Moasisa-ye Moṭālī'āt va Pejūhīshā-ye Sīāsī. [In Persian]
- Ḥāj Sayyāḥ (1356 Š.), *kāfirāt*, edited by Ḥamīd Sayyāḥ, Tehran: Amīr Kabīr. [In Persian]
- Kasravī, Aḥmad (1323 Š.), *Zendegāni-e Man*, Tehran: Čāpāk. [In Persian]
- Nāhīdī, Āzar (1389 Š.), *Tojār va Dehqānān dar 'Ašr-e Mašrūṭa*, Tabriz: Aḳtar. [In Persian]
- Sayf, Aḥmad (1373 Š.), *Eqtišād-e Īrān dar Qarn-e Nūzdahom*, Tehran: Chašma. [In Persian]
- Šākerī, ḳosro (1384 Š.), *Pīšinahā-ye Eqtišādī Ejtemā'ī-e Jonbeš-e Mašrūṭāt va Enkišāf-e Sosāl Demokrāsīdar Ān 'Ahd*, Tehran: Aḳtarān. [In Persian]
- Towfiq, Firūz; Abbās ḳāqānī (1348 Š.), *Barrasī Šan'at-e Farš dar Īrān: Gozārišhā-ye Maṇṭaqehī*, Tehran: Sāzmān-e Barnāmeḥ, Moasisa-ye Moṭālī'āt va Taḥqīqāt-e Ejtemā'ī. [In Persian]
- Yazdānī, Sohrāb (1389 Š.), *Mojāhidān-e Mašrūṭa*, Tehran: Ney. [In Persian]
- Yusefīnā, Rāzīya (1388 Š.), *Asnād-e Tejārī-e Advār-e Avval tā Panjom-e Maḳlis-e Šorāy-e Mellī (1303-1385 A.S.H.)*, Tehran: Kitābkāna va Markaz-e Asnād-e Maḳlis-e Šorāy-e Eslāmī. [In Persian]

French, Russian, English and German Sources

- 'Allemagne, Henry Rene d (1911), *Du Khorassan au pays des Bakhtiaris: trois mois de Voyage en Perse*, Paris: Hachette et Cie.
- Aubin Eugene (2018), *La Perse d'Aujourd'hui Iran; Mésopotamie avec une Carte en Couleur hors Texte*, Wentworth Press.
- Curzon, George Nathaniel (1892), *Persia and the Persian Question*, London: Longman, Green and Co.
- Edwards, A. Cicol (1975), *The Persian Carpet*, Duckbaks.
- Floor, Willem M. (2003), *Traditional Crafts in Qajar Iran (1800-1925)*, Mazda Pub.
- Issavi, Charles Phillip (1971), *The Economic History of Iran, 1800-1914*, Chicago: University of Chicago.
- Ivanov, Mikhail Sergeevich (1965), *Новейшая история Ирана (Novejšaia istoriia Irana)*, Moskva: Mysl'.
- Korf, Baron Fedor Fedorovich (1838), *Vospominaniia o Persii (1834-1835)*, St. Petersburg.
- Litten, Wilhelm (1925), *Persisch Flitterwochen*, Berlin: Georg Stilke.
- Majd, Mohammad Gholi (2003), *Persian in World War I and Its Conquest by Great Britain*, UPA.
- Orsolle, Ernest (2018), *La Caucase et la Perse*, Wentworth Press.
- Pavlovich, M.; S. (1925), *Iranskii, Persiia v bor'be za nezavisimost'*, Moscow.
- Polak, Jakob Eduard (2004), *Persien, Das Land und seine Bewohner: Ethnographische Schilderungen*, Adamant Media Corporation.
- Savory, Roger (1990), "CARPETS i. Introductory survey," *Encyclopædia Iranica*, IV/8, pp. 834-839.
- Zinov'ev, Ivan Aleksyeevich (n. d.), *Эпические сказания Ирана. Разсуждение, etc.*

Newspapers

- Rūznāme-ye Eqdām (11 Rajab 1345 AH.), No. 153, p. 3.
- Rūznāme-ye Eqdām (30 Ša'bān 1345 Š.), No. 176, p. 2.
- Rūznāme-ye Setāreh Īrān, 15 Moḥarram 1340), No. 46, p. 2.
- Maḡala-ye Filāḡat va Tijārat (1 Āzar 1297 Š.), No. 9, p. 150.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Investigating the Situation and Evolution of Carpet Production and Trade in Azerbaijan During the Qajar Period¹

Mostafa Molaei²

Received: 2020/06/21

Accepted: 2020/12/03

Abstract

Azerbaijan has a long tradition of carpet weaving. Azerbaijan became one of the country's most prosperous regions during the Qajar period when Tabriz was chosen as the Crown Prince's seat and the center of trade with Russia and Western countries. During this period, the Azerbaijani carpet industry flourished, owing to the country's advantageous economic and commercial position as well as the region's favorable natural and climatic characteristics. Production of this commodity increased significantly, and trade expanded. Carpets from the country were exported. Using descriptive-analytical methods and archival documents and library tools, this research aims to investigate the research's main topic, namely the status and evolution of carpet production and trade in Azerbaijan during the Qajar era. According to the results, carpet weaving in Azerbaijan in the first half of the nineteenth century was primarily a rural occupation, with peasants and a few urban weavers working in home workshops, and was considered a domestic commercial product. However, with the investment of Tabriz merchants and foreign companies in the region's carpet industry and the establishment of large carpet weaving workshops in the second half of the twentieth century, the amount of carpet production and the value of its exports increased significantly. Azerbaijan carpets were widely exported to European and American markets during the Qajar era, in addition to Russia and Turkey.

Keyword: Carpet, Azerbaijan, Production, Trade, Qajar.

1. DOI: 10.22051/HII.2020.31687.2259

2. PhD Iranology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: m.s.mollai@gmail.com

Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN:2538-3493